

# Capitalism Needs War

سرمایه‌داری نیازمند جنگ است

**The  
Communist  
Party**

برگردان فارسی از صدای انترناسیونالیستی

**International Communist Party**

**حزب کمونیست بین‌المللی**

ایمیل:

[icparty@interncommparty.org](mailto:icparty@interncommparty.org)

سایت:

[WWW.international-communist-party.org](http://WWW.international-communist-party.org)

## سرمایه‌داری نیازمند جنگ است

### ارتش های دولتی و «مقاومت مردمی» بر علیه طبقه کارگر استفاده می شوند

- جنگ یک ضرورت اقتصادی اجتناب ناپذیر برای سرمایه‌داری است. نیروهای غیرقابل کنترل، همه دولت ها را مجبور می کنند تا برای جان سالم به در بردن از بحران عمومی خود، سیاست تجاوزگری را دنبال کنند که ناشی از تولید بیش از حد عظیم کالاها است که هیچ کس نمی خواهد و هیچ کس به آن نیاز ندارد.

- بنابراین جنگ محصول شرارت یا جنون برخی از رهبران سیاسی نیست، جنگ در اوکراین درگیری بین سیستم های لیبرال-دمکراتیک و توتالیتریزم نیست، بلکه جنگ بین قدرت های امپریالیستی است.

- جنگ بین جبهه های امپریالیستی، جنگی بین دولت‌ها و نه جنگ بین ملت‌ها است. این جنگ نه برای تضمین آزادی مردم، بلکه برای ظلم و ستم بیشتر است. آزادی تنها بهانه ای برای انداختن طبقه کارگر به کوره جنگ است.

- ناسیونالیسم اوکراینی نقابی برای امپریالیسم غربی است، همانطور که دفاع از اقلیت های روسی در اوکراین در خدمت توجیه روسیه است.

- این یک جنگ نیابتی است: سرمایه داران روسیه قصد دارند بازار محصولات خود را پس بگیرند و در مقابل سرمایه داران غرب، ارتش اوکراین و «مقاومت» را تسلیح می‌کنند تا برای گسترش آنها به شرق بجنگند.

- ارتش روسیه، ارتش اوکراین و "پارتیزان‌ها"، کارگران اوکراین را محاصره کرده اند. به این ترتیب، کارگران در گروگان دو بورژوازی رقیب که در این امر با هم متحد هستند، گرفته شده‌اند. «پارتیزان‌ها» نه بخاطر به گروگان گرفته شدن کارگران بلکه در نفی مبارزه طبقاتی می‌جنگند.

- در همین حال پلیس بورژوازی در روسیه مخالفان جنگ را دستگیر و سرکوب می کند.

- این بخشی از یک جنگ ارتجاعی است، جنگی که بر علیه طبقه کارگر است. امروز این جنگ در اوکراین و روسیه است، اما چه به معنای فوری آن و چه به معنای عام تاریخی آن مربوط به کل جهان است.

- جنگ برای حفظ سرمایه داری در سطح جهانی است. این جنگ علیه کمونیسم است، که همیشه بصورت یک شیخ نامرئی اما حاضر است. جریانی که در حال بلوغ است و از درون سرمایه داری در فاز هیولایی اش فشار می آورد. زیرا کمونیسم که همه آن را انکار می کنند، پس از سرنگونی دیکتاتوری سرمایه، از قبل آماده تولد است.

- طبقه کارگر وطنی برای دفاع کردن ندارد. طبقه کارگر فقط باید از خود و در برابر همه‌ی اربابان دولت یعنی کسانی که اولین کارشان مطیع کردن آنها است، دفاع کند.

- برای کارگران اوکراین و همچنین برای کارگران روسیه، با استثمار شدن توسط سرمایه داران اوکراینی یا روسی یا اخذ مالیات توسط حاکمان اوکراینی یا روسی، چیزی تغییر نخواهد کرد.

- برای پرولتاریای روسی، آمریکایی و اروپایی به طور یکسان، هیچ تغییری در وضعیت اسفبار آنها حاصل نخواهد شد، چه اربابانشان پیروز شوند و چه توسط بلوک امپریالیستی رقیب چیره شوند.

- صلح طلبی بورژوازی، در مواجهه با واقعیت جنگ، پرچم صلح را خاضعانه پنهان می کند تا رنگ پرچم آبی و زرد دولت بورژوازی اوکراین را به خود اختصاص دهد. کلمه صلح به ستایش جنگ "برای آزادی" تبدیل می شود.

کمونیست‌ها با ابراز همبستگی در میان سربازان، پرولتاریای جوان، کسانی که با شورش و عصیان می توانند از درون به جنگ پایان دهند، فراخوان مخالفت با همه‌ی جنگ های بورژوائی را می دهند. کمونیست‌ها همچنین مبارزات طبقاتی گسترده را شیوه مخالفت با جنگ اعلام کرده و تشویق می‌کنند به آغاز مجدد همبستگی بین المللی کارگری در اتحادیه‌های کارگری، اعتصابات و ایجاد حزب کمونیست که تنها سازمانی است که می تواند طبقه را به رهایی نهایی از سرمایه‌داری هدایت کند.

در ادامه شعارهای ضد نظامی گری پرولتری است که میتوان گسترش داد:

**جنگ بر علیه جنگ**

**مبارزه طبقاتی بر علیه اربابان و دولت در صلح و جنگ**

**پیش به سوی کمونیسم**

حزب کمونیست بین‌الملل

۱۶ اسفند ۱۴۰۰